

نکات مربوط به اپیزود چهارم فصل شش

سریال بازی تاج و تخت

تهیه شده در تیم پادکست سایت وستروس

www.westeros.ir





بازگشت دوباره ایری به تیتراژ ابتدایی سریال

دوباره دره پس از فصل پنجم به تیتراژ ابتدایی سریال اضافه شد. همانطور که در این قسمت دیده می‌شود، ایری محل حوادث نیست بلکه محل اتفاقات، رین استون جایگاه خاندان رویس است.

تیم تولید در این خصوص توضیح داده‌اند که برای ایجاد تنوع بیشتر در نمایش نقش و وسعت منطقه و همچنین توجیه هزینه‌ها، آنها تصمیم گرفتند به جای اینکه به نشان دادن یک منطقه قناعت کنند، سایر نقاط را هم در سریال به نمایش در بیاورند. در واقع منظور این است که توجیه اقتصادی نداشتند که با صرف هزینه سنگینی مجدداً ایری را به تصویر بکشند به همین دلیل جایی به نام رین استون را خلق کردند تا هم از هزینه‌ها کم کنند و هم وسعت و ستروس را بیشترچند تا قلعه شناخته شده، به نمایش بگذارند. همچنین با اینکه تیان گریجوی در این اپیزود به خانه اش در پایک باز می‌گردد ولی در تیتراژ ابتدایی پایک به نمایش گذاشته نمی‌شود.

بخش اول : نبرد در شمال



* دیوید بنیوف در *Inside the Episode* اشاره می‌کند، که در گذشته جان اسنو و سانسای استارک هرگز به طور مستقیم بر روی صفحه نمایش به همراه هم حضور پیدا نکرده‌اند. حتی در اولین اپیزود سریال «زمستان در راه است» جان اسنو در پشت سر کودکان استارک در کنار تیان گریجوی برای استقبال پادشاه رابرت ایستاده است. (چرا که او یک حرامزاده است)، همچنین در طول جشن آنها با یکدیگر هیچ برخوردی نداشتند.

* سانسای به جان می‌گوید «آرزو نمی‌کنی به همون روزی که اونجا (وینترفیل) رو ترک کردیم، برگردیم؟»: در واقع جان اسنو و سانسای استارک هر دو در یک روز وینترفیل را ترک کردند. جان اسنو به همراه عمویش بنجن استارک به سمت شمال و پدرش و سانسای در جاده پادشاهی به سمت جنوب رفتند.

* تنها زمانی که سانسای در کتاب به جان اسنو فکر می‌کند در جلد چهارم کتاب اس. زمانی که او در دره به کمک لیتل فینگر مخفی شده است، متوجه می‌شود که پسر حرامزاده ادوارد استارک به تازگی به منصب لرد فرمانده نگهبانان شب نائل شده است. او سپس متوجه می‌شود که پس از ترک وینترفیل اصلاً به او فکر نکرده است.

* سانسای و جان هرگز همدیگر را در آخرین رمان ملاقات نمی‌کنند. داستان جان اسنو در مجموعه تلویزیونی از رمان پیشی گرفته است. در مجموعه کتاب، داستان جان اسنو پس از برخورد ضربات چاقو و کشته شدنش به پایان می‌رسد. داستان سانسای نیز از فصل گذشته سریال به طور کامل از خط داستانی رمان فاصله گرفته است. در کتاب سانسای در دره باقی می‌ماند و حتی هرگز هیچکدام از

بولتون ها را نمی بیند. البته کاملاً ممکن است که در رمانهای آینده او جان را دوباره ملاقات کند و همین واکنش ها را نشان بدهد، هر چند جزئیات آن صحنه بسیار متفاوت خواهد بود.



سانسا و کتلین هرگز جان را اذیت نکردند

* در این اپیزود سانسای به جان اسنو می گوید که من با تو بسیار بد رفتاری می کردم. به نظر می رسد این خط داستانی از آنچه در کتاب توصیف شده اغراق آمیز تر نشان داده شده است.

مادر سانسای، کتلین استارک جان اسنو رو تا حدودی نادیده می گرفت. هر چند رفتار او با او مثل یک مادر ناتنی خبیث نبود اما حضور جان در ویترفل اختلافاتی بین او و همسرش کتلین، که جان را به چشم یادآوری دائمی از خیانت همسرش می دید، به وجود آورد. او رفتاری سرد با جان در پیش گرفته بود تا به جان این حس را بفهماند که حضورش برایش ناخوش آیند است. جان اسنو از لحاظ ظاهر بیش از تمام فرزندان واقعی او استارک، به او شبیه بود و این موضوع بیش از پیش رابطه ی او و کتلین را تیره می کرد. هر چند کتلین هیچگاه با او برخورد بدی نکرد اما طوری رفتار می کرد که او جدا از سایر بچه ها و موجودی طرد شده نشان می داد، از این رو سانسای نیز سعی می کرد به جان اهمیت ندهد و او را نادیده بگیرد. در اولین فصول کتاب، در بخش اریا، جان به یاد می آورد که سانسای در خطاب کردن او همیشه دقت می کرده است که از عبارت «برادر ناتنی» به جای حرامزاده (که اصطلاح حقوقی و تا حدودی تحقیر آمیزتر است) استفاده کند. از این رو می توان گفت کتلین و سانسای تا کنون با جان بد رفتاری نکرده اند، فقط از او اجتناب می کردند.



پس از رومنس گری ورم و میساندی، شاهد یک اختراع رومنس جدید در سریال خواهیم بود

* به نظر می‌رسد تورمند کاملاً توسط برین از تارث تحت تاثیر قرار گرفته است. در بین اقوام وحشی زنان جنگجو بسیاری چون ایگیریت، کارسی و غیره وجود دارند اما مردان در جنوب دیوار اغلب فکر می‌کنند کاری چون نبرد و شوالیه گری برای یک زن کار مسخره‌ای است شاید به همین دلیل برای تورمند جالب باشد که یک شوالیه زن را در این سوی دیوار می‌تواند ببیند.

* همچنین تهیه کنندگان سریال خبر از ایجاد یک رابطه عاطفی بین برین و تورمند را داده‌اند.



آغاز یک نبرد نابرابر

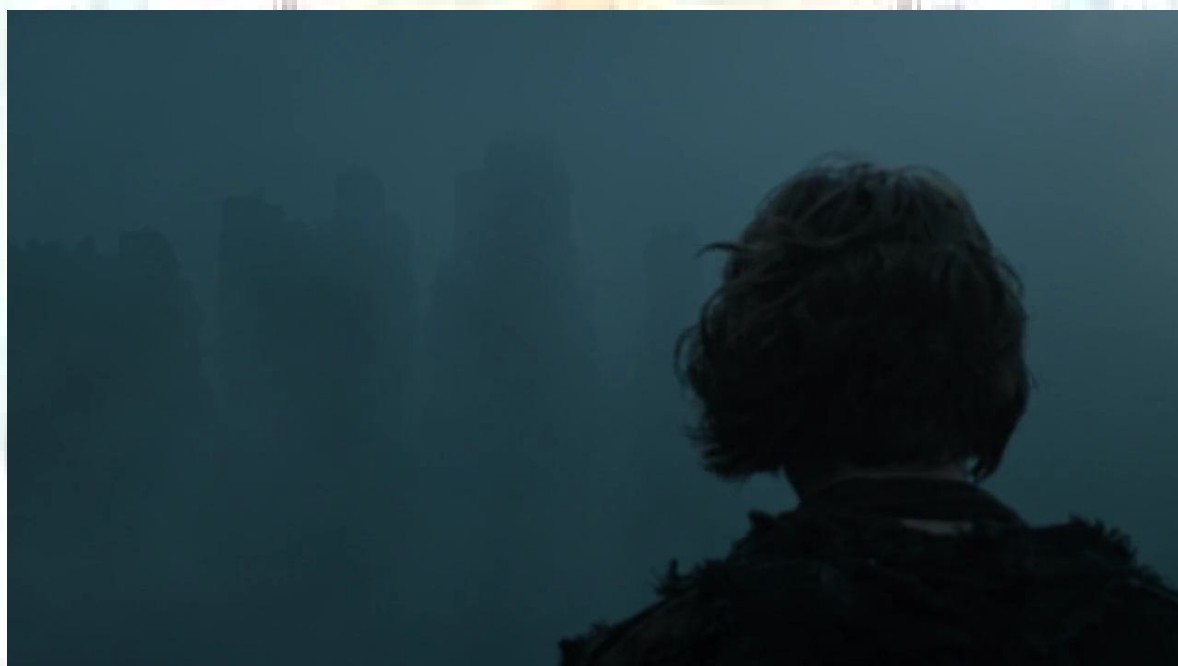
✳ در فصل گذشته جان اسنو و تورمند موفق شدن نزدیک به 5000 نفر از وحشی‌ها را از هاردهوم نجات دهند و به جنوب دیوار بیاورند. تورمند تایید کرد که در بین این 5000 نفر 2000 نفر قدرت و توانایی مبارزه را دارند و بقیه آنها کودک و سالمند هستند.

✳ سانسبا به نقل از رمزی می گوید نیروهای بولتون که در ویتترفیل حضور دارند نزدیک به 5000 مرد می‌باشند. هر چند به طور دقیق مشخص نیست اما می‌توان گفت که این تعداد فقط نیروهای بولتون و بدون در نظر گرفتن نیروهای آمبر و کاراستارک‌ها در ویتترفیل می‌باشند چرا که او در پایان فصل پنجم از آنجا فرار کرده است.



* در رمان , اوشا و ریکون استارک هنوز بازنگشته اند و همچنین بعید است که او توسط رمزی بولتون به قتل برسد و یا ریکون به دست رمزی اسیر بشود. در اپیزود قبلی برایتان از مکان فعلی ریکون توضیحاتی دادیم.

* جورج آر.آر.مارتین در فصل اول زمانی که اوشا در سریال حضور پیدا کرد گفت که شخصیت اوشا در کتاب با شخصیت اوشا در سریال بسیار متفاوت است. در کتاب او مسن تر است و ظاهری متفاوت دارد. جورج آر.آر.مارتین گفته است از بازی اوشای مجموعه تلویزیونی با بازی ناتالیا تنا بسیار لذت برده است و او را به اوشای کتاب ترجیح میدهد. شاید بتوان گفت تنها اختراعی که توسط مجموعه تلویزیونی انجام شده و باعث رضایت همگان نیز باشد همین شخصیت است.



بازگشتی که هیچوقت اتفاق نخواهد افتاد

* داستان تیان کاملاً با آنچه که در کتاب به نمایش گذاشته شده متفاوت است و گویا داستانش به طور کامل منحرف شده است در کتاب پنجم تیان موفق می‌شود به همراه جین پول (اریا استارک تقلبی) از وینترفیل فرار کند ولی توسط نیروهای بولتون که در حال حرکت به سمت وینترفیل هستند دستگیر می‌شوند. تیان اکنون زندانی استنیس براتیون است که قصد دارد او را برای تسکین لردهای شمالی که خواستار مرگ تیان به خاطر قتل برن و ریکان هستند، اعدام کند. استنیس می‌خواهد تیان را به سبب اینکه ممکن است اطلاعات مفیدی در مورد روس و رمسی بولتون داشته باشد برای مدتی زنده نگه دارد. پس از اینکه تلاش‌های آشا برای آزادی او با فدیة با شکست روبرو می‌شود، او استنیس را بر می‌انگیزد که تیان را آنگونه که اداره استارک اعدام می‌کرد، و با گردن زدن وی مقابل یک درخت قلب اعدام کند. این عمل احتمالاً در تلاش برای رهایی تیان از درد و رنج سوختن در آتش به عنوان قربانی رلور انجام شده است.

بخش دوم : بارانداز پادشاه و نبرد برای بقا



* غریبه یک جنبه از دین هفت است و یک استثنا در میان سایر جنبه ها. غریبه نماینده مرگ و ناشناخته هست. پرستش کنندگان، به ندرت چیزی از غریبه طلب می کنند اما افراد مطرود، گاهی کمک این خدا را جویا می شوند. یکی از اصلیتین کتاب های مقدس در مذهب، ستاره هفت پر (The Seven-Pointed Star) می باشد که مانند انجیل به چند بخش تقسیم شده است مثلاً یکی از آنها "کتاب دوشیزه" است. به نظر می رسد که هر کدام از هفت جنبه، کتاب مخصوص خود را دارند. وقتی مارجرای تایلر از های اسپارو نقل می کند که این بخشی از دعایی در کتاب غریبه است، می توان اینطور برداشت کرد که هفت نیز دارای کتاب های مختلفی است.

* گفتگوی تازه جیمی لنیستر در صحنه شورای کوچک تا حدودی گیج کننده است : بزرگترین ارتش وستروس متعلق به خاندان تایلر است، و خاندان لنیستر در شرایط عادی دومین ارتش را دارد. نیمی از ارتش لنیستر ها توسط راب استارک در اوایل نبرد پنج پادشاهی نابود شدند اما نیروهای تایلر ها جنگ و درگیرهای بسیار کمتری را داشتند و علاوه بر آن تایوین لنیستر در فصل چهارم توضیح می دهد که لنیسترها ورشکست شده اند و نمی توانند دیگر به راحتی ارتش مزدور استخدام کنند. جیمی در این قسمت می گوید : « شما دومین ارتش وستروس در اختیار دارید » اما با توجه به حرکت Wideshot دوربین پس از آن، نا مشخص است که خطاب صحبت جیمی با عموی خود کوان است (فرمانده نیروهای لنیستر باقی مانده، که باید در حال حاضر دومین ارتش قدرتمند باشد) یا اولنا تایلر. جیمی در ادامه توضیح می دهد که ارتش تایلر خواهد آمد و سپت اعظم را محاصر خواهد کرد در حالی که ارتش کوان در یک گوشه شهر می ایستد و جلوی آنها را نمیگیرد. (با در نظر گرفتن این بخش می توان گفت که منظور از دومین ارتش بزرگ وستروس، ارتش کوان باشد).

* در رمان، سرسی بعد از پیاده روی شرمساری، به دستور عمویش کوان تحت حفاظت قرار می گیرد و در اتاقش نگهاری می شود و به او اجازه داده نمی شود که بازدیدکنندگان را بدون نظارت ببینند. در قسمت های قبلی این فصل، نشان داده می شود که سرسی تحت حفاظت است ولی می تواند در اطراف شهر حرکت کند. در این قسمت به وضوح گفته می شود که او در یک حبس خانگی قرار گرفته و حق خارج شدن از رد کیپ را ندارد. هر چند در اپیزود اول او برای دیدن بازگشت میرسلا و جیمی به اسکله باراندازه پادشاه رفته بود که احتمالاً به او اجازه داده شده بود.

* های اسپارو هیچ بک استوری از خود در رمان فعلی نداشته است و معلوم نیست که اگر داستان او در کتاب ادامه پیدا کند آیا از گذشته خود چیزی خواهد گفت یا نه ولی تا کنون میتوان گفت که این یکی از اختراعات سریال می باشد و باید منتظر ماند و دید در کتاب آینده چه رخ میدهد.

Westeros

بخش سوم: میرین و بازگشت دوباره برده‌داران



* تیریون می‌گوید که یک مرد باهوش یکبار به او گفته است که «ما با دشمنانمون صلح می‌کنیم نه با دوستانمون». در واقع این نقل قول متعلق به لیتل فینگر است که در فصل اول در اپیزود هفتم «تو میبری یا تو میمیری» به ادوارد استارک می‌گوید که بهتر است به جای اینکه به صورت آشکار اعلام کند که جافری یک حرامزاده است، با لنیسترها صلح کند. اما در مجموعه تلویزیونی او هرگز این جملات را به تیریون نمی‌گوید.



اهمیت ندادن به واحد پولی در سریال

* این قسمت بار دیگر به این اشاره می‌کند که ارز مورد استفاده در خلیج برده‌دارن در واقع «طلا افتخار» است. در فصل پنجم اپیزود هدیه، در واقع یزان زو کاگاز در یک حراج برده، تیرویون را به ارزش یک سکه طلا افتخار خریداری کرد و در این قسمت او این قضیه را دوباره بازگو می‌کند. همچنین در همان قسمت در یک حراج، او برای جورا مورمونت، که یک شوالیه خوب و آموزش دیده بود به عنوان یک گلا دیاتور که قیمتش از 15 سکه شروع می‌شد، 20 سکه داد و او را خریداری کرد. این در حالی است که در رمان برای یک جفت برده که بخواهند در گودال مبارزه به عنوان یک گروه نمایش حضور داشته باشند بیش از 5000 طلای افتخار پرداخت می‌شود، و این پیشنهاد پایین برای خرید جورا در سریال به عنوان یک گلا دیاتور تا حدودی اهانت آمیز می‌باشد.

در بلوری فصل پنجم سریال در بخش «تاریخ و افسانه‌ها» در اپیزود انیمیشنی «جنگ چاله میرین» این تناقض تا حدودی برطرف می‌شود. در این اپیزود یک گلا دیاتور برده برای حضور در چاله مبارزات به قیمت بیش از 30000 طلا افتخار فروخته می‌شود که این تا حدودی به ارزش نسبی طلا افتخار در کتاب اشاره درستی دارد. دیوید بنیوف و وایس هر دو در قسمت «گفت»، ارزش این پول و گلا دیاتورها را تا حد ممکن کم نشان دادند. در حالی که دیو هیل نویسنده مجموعه «تاریخ و افسانه‌ها» درک دقیقی از ارزش نسبی طلا افتخار در کتاب دارد گویا نویسندگان اصلی سریال مثل بنیوف و وایس قادر به درک درست این موضوع نیستند.

* در این قسمت نشان داده می‌شود که دوتراک‌ها به پول اعتقادی ندارند و این تا حدودی درست است. دوتراک‌ها از هیچ شکلی از ارز استفاده نمی‌کنند. آنها اشیاء گرانبها را در طی غارت‌های خود جمع می‌کنند و سپس با آنها به داد و ستد با چیزهایی چون سلاح‌های جدید، زره و یا اسب می‌پردازند. بنابراین اینکه ذکر شده که یونکایی‌ها حاضر هستند در عوض دنریس 10 هزار اسب به دوتراک‌ها بدهند، نشان از این است که آنها به طلایی افتخار اهمیت نمی‌دهند.

* برای درک از ساختار نظام مالی دنیا وستروس می‌توانید از این مقاله استفاده کنید :

<http://westeros.ir/coins-westeros>



بازگشت دوباره یکی از برده داران یونکایی

* رازدال مو اراز دوباره در این اپیزود به مجموعه تلویزیونی سریال بازگشت. او در فصل سوم اپیزود هفت «خرس و دوشیزه» به عنوان نماینده سیاسی یونکایی با دنیس ملاقات کرد. او همچنین به طور خلاصه برخورد خود را در آن قسمت شرح می‌دهد. در آن قسمت او به دنیس پیشنهاد می‌دهد که تعدادی کشتی در اختیار او و لشگرش قرار دهد تا خلیج برده داری را ترک کند و به وستروس برود. البته دنیس نمی‌پذیرد و قصد می‌کند که تمام اربابان برده دار را در خلیج برده داری سرنگون کند. حال او دوباره بازگشته است و اینبار گویا جای شخصیت دیگری را در سریال گرفته است و قرار است به عنوان یکی از دیپلمات های مخالفان دنیس در نظر گرفته شود.



نماد خوانی سریال

* کشتی بزرگی که سه سفیر اتحاد برده‌دارن را به میرین می‌آورد در این اپیزود بادیانی با نماد هارپی آستاپور را بر روی خود دارد. موجودی با بالاتنه‌ی زن، بال‌های خفاش به جای دست، پاهای عقاب و دم عقرب که در چنگال‌هایش زنجیری با دستبندهای باز در دو سویش نگه داشته است. این طراحی خاص برای اولین بار در فصل سوم به نمایش گذاشته شد. در رمان هر شهر در خلیج برده‌داری برای خود از یک نماد هارپی استفاده می‌کند. نماد اصلی امپراطوری گیسکاری یک هارپی بود که در چنگال خود یه صاعقه داشت. سه شهر خلیج برده‌داری آستاپور، یونکای و میرین در واقع بازمانده این امپراطوری هستند و برای همین از هارپی‌ها برای نشان دادن نزدیکی خود به گیسکاری‌ها استفاده می‌کنند. نماد آستاپور یک هارپی است که دارای بال‌های باز است که در دو سویش زنجیرها را نگه داشته است، نماد یونکایی‌های یک هارپی است که در یک دست خود شلاق گرفته و در دست خود یک زنجیر، نماد میرین نیز یک هارپی که هیچی در دست خود ندارد. تنها هارپی آستاپور است که به صورت دقیق بر روی بادیان‌های مجموعه تلویزیونی ظاهر شده است. هر چند مطمئن نیستیم که آیا در مجموعه تلویزیونی به تفاوت نمادهای هر شهر اشاره خواهد شد یا نه و همچنین آیا این طرح متعلق به شهر آستاپور است یا به شهر دیگری تعلق دارد. هر چند با توجه به حضور یزان به عنوان نماینده اربابان برده‌دار آستاپور می‌توان این را در نظر داشت که از این نماد در جای درست خود استفاده شده است.

* امپراطوری گیسکاری بیش از ۵,۰۰۰ سال پیش سقوط کرد. پس از آنکه والرین‌ها اژدها پیدا کردند و به سرعت به قدرت رسیدند، گیسکاری خواهان قدرت اژدهایان برای خود شد و با والرین‌ها وارد جنگ شد. پنج جنگ بزرگ بین گیسکاری و ممالک مستقل در گرفت؛ جنگ‌هایی که والرین‌ها با اژدهایان خود پیروز شدند. گیسکاری در چند درگیری پیروز شد. پرده منقش بزرگی در قلب هرم بزرگ میرین وجود دارد که واپسین بازماندگان یک ارتش شکست خورده‌ی والرین را نشان می‌دهد که از زیر یوغ بندگی عبور کرده و در غل و زنجیرند. در آخرین جنگ بزرگ، والرین‌ها هنگ‌های گیسکاری را در هم شکستند و با استفاده از اژدهایان خود گیس و اهرام بزرگش را سوزاندند. پس از سوختن گیس، والرین‌ها به زمین‌ها نمک و گوگرد پاشیدند تا از بازگشت بازماندگان جلوگیری کنند.

با تخریب گیس، امپراطوری گیسکاری نیز سقوط کرد و بیشتر خط خونی اصیل گیسکاری از بین رفت. جمعیت بازمانده‌ی امپراطوری هر آنچه در توان داشتند از خرابه‌ها ساختند. در این میان مستعمرات دورافتاده‌ی خلیج برده داران یعنی آستاپور، یونکای و میرین، خوش درخشیدند. این شهرها خود را به عنوان قطب جهانی تجارت برده معرفی کرده و بسیار ثروتمند شدند. شهر جزیره‌ای گیس جدید نیز بنا شد. پس از سرنوشت شوم والرین‌ها و در طول سده خون، دوتراکی مستعمرات شمالی گیسکاری را نابود کرد که امروزه خرابه‌هایشان به نام‌های کرازاج هاس، ویس مژا، و ویس افه شناخته می‌شوند.



اربابی که به سرزمین خود خدمت نمی‌کند.

* در رمان، یزان زو کاگاز در واقع یکی از اربابان دانا یونکایی است. این شخصیت به طور کامل در سریال تغییر کرده است. در کتاب او شخصی چاق و یکی از قدرتمندترین اربابان برده داری می‌باشد. در فصل پنجم، او جورا و تیرویون را در یک حراج در حومه میرین خریداری می‌کند که اینطور معنا می‌شود که او یکی از اربابان بزرگ میرین است، نه یک یونکایی. از سوی دیگر این احتمال نیز

رد نشد که او یک یونکایی است، چرا که در آن زمان با باز شدن دوباره گودال مبارزات میتوان این انتظار را داشت که تمام اربابان برده دار برای کسب پول به میرین بیایند. در این اپیزود یزان به عنوان یکی از اربابان خوب آستاپور از طرف تیرون معرفی می شود، حال این سؤال مطرح می شود که یزان آیا واقعا یک آستاپوری می باشد یا اینکه یک ارباب برده داری است که بین سه شهر در حال حرکت است و اکنون به عنوان نماینده آستاپور در مذاکرات حضور دارد.



اربابی جدید از سرزمینی جدید

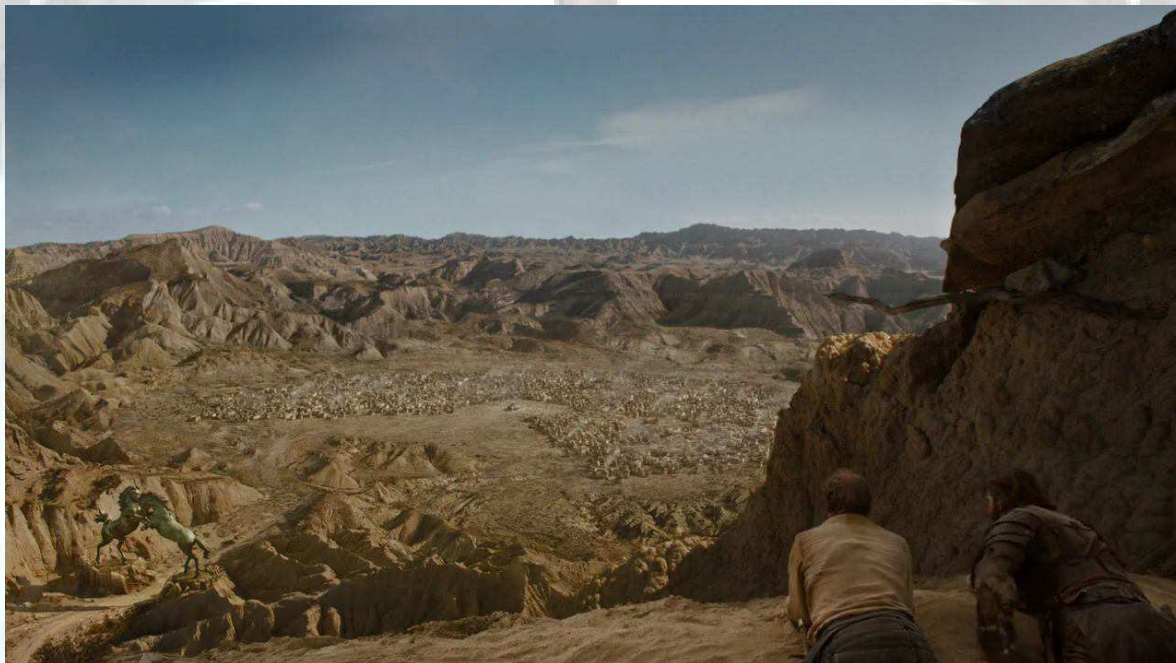
* با توجه به اینکه می دانیم رازدال نماینده یونکایی ها می باشد و یزان نماینده آستاپور، اما هویت نماینده سوم (که دارای دیالوگ نیز هست) به طور مستقیم بیان نشده است. با توجه به اینکه واریس در اپیزود گذشته فهمید کسانی که پسران هارپی را رهبری میکردند در واقع یونکایی، آستاپور و ولانتیس می باشند به سادگی می توان فهمید که او نماینده ولانتیس می باشد. علاوه بر آن با کمی دقت به لباس های او می توان سبک خاص لباس پوشیدن ولانتیسی ها را که برای اولین بار در فصل پنجم ظاهر شدند را در این شخص دید.

* در دنیای سریال برای مردم شهر ولانتیس لباس و پوشش مخصوص طراحی نشده است. در حین ساخت فصل پنجم سریال صحنه هایی که از ولانتیس وجود داشت فقط در یک اپیزود بود و همان ها هم در دقایق پایانی فیلمبرداری شده بود. در واقع در آن هنگام زمان کافی وجود نداشت و بودجه ای نیز باقی نمانده بود که بتوانند دکور و لباس های جدید بسازند و سازندگان ترجیح داده بودند بودجه را صرف طراحی دکور و لباس های شهری مانند براووس بکنند که نقش مهم تری را در سریال ایفا می کرد. اما همان طور که ضرب المثل معروف می گوید «نیاز مادر اختراع است.» سازندگان نیز تصمیم گرفتند تا با ایجاد تغییراتی در همان دکور و لباس هایی که از قبل برای شهر های دیگر ساخته بودند، برای همان سکانس های معدود ولانتیس لباس و دکور متفاوت و مخصوص ایجاد کنند.

در صنعت سینما به این عمل «کیت بشینگ» می گویند. در پشت صحنه های بلو-ری فصل پنجم، میشل کلپتون طراح لباس سریال روند این کار را توضیح می دهد و بیان می کند که به تلاش و پشتکار تیمش که توانستند با محدودیت ها و منابع کمی که داشتند این لباس ها و دکور را بازسازی کنند افتخار می کند. بازیگران و عوامل دیگر سریال نیز همیشه با هم این شوخی را می کردند که هر بخش از لباس ها و دکور ولانتیس از کدام بخش دیگر گرفته شده. مثلاً می توان گفت که اکثر لباس های به کار رفته در ولانتیس قبلاً در لباس های دره ی ارین ها به کار رفته بوده که با بخش هایی از لباس های طراحی شده برای خلیج برده داران مخلوط شده است. توجه کنید که لباسی که سفیر ولانتیسی در فصل پنجم به تن دارد بسیار شبیه لباسی که است که لرد پیتر بیلش در همین اپیزود پوشیده است. تفاوت آن ها فقط در چند قطعه جواهر است و تغییر طراحی چند بخش لباس. البته جای تعجب است که با توجه به افزایش چشمگیر بودجه ی فصل ششم، چرا طراحی جدیدی را برای لباس های ولانتیسی بر اساس کتاب ایجاد نکردند.

* نکته ی دیگر این است که میشل کلپتون بعد از فصل پنجم از مجموعه جدا شده و آپریل فری به عنوان سرپرست طراحی لباس جای او را گرفته است. این احتمال وجود دارد که سرپرست جدید نمی خواسته تا طراحی قبلی لباسی که سفیر ولانتیسی در فصل پنجم به تن داشته را تغییر دهد، در حالی که متوجه نشده است این طراحی در واقع «کیت بشی» از طراحی لباس های دره ی ارین ها و مردم میرین می باشد.

بخش چهارم: به دنبال دنیس



* شرحی که جورا از ویس دوتراکی می دهد با شرح ویس دوتراکی در رمان یکی است. جاده اصلی منتهی به ویس دوتراکی معروف است به دروازه اسب، همچنین به جاده خدایان نیز معروف است چرا که هزاران مجسمه از خدایان مردمانی که توسط دوتراکی ها غارت شده اند در اطراف این جاده قرار گرفته است. جاده اصلی از دو جاده بازارهای غربی و شرقی جدا می باشد. دنیس در فصل اول در اپیزود «تو برنده ای یا تو میمیری» از بازارهای ویس دوتراکی دیدن می کند. دوتراکی ها بازرگان نیستند و هیچ چیزی از تجارت نمی دانند برای همین امور این دو بازار همگی برعهده خارجی ها می باشد. هدف از تشکیل این بازار تجارت با دوتراکی ها نیست بلکه در اینجا کاروان های غرب و شرق با یکدیگر در اینجا تجارت می کنند چرا که نمی خواهند زیر مالیات سنگین حمل و نقل کارث برای اجناسشان قرار بگیرند.

جورا دو نوع بازار را نام می برد، بازار غربی و بازار شرقی. بازار غربی توسط بازرگانان غربی مثلاً اهالی شهرهای آزاد برپا شده است و بازارهای شرقی توسط مردم شرق مانند یی تی. (در کتاب اول دنیس بازرگان تی تیشی را در ویس دوتراکی مشاهده می کند). جورج آر آر مارتین گفته است که یی تی در واقع تجسم فانتزی از امپراطوری چین باستان است، بنابراین جورا زمانی که می گوید که باید خودشان را به جای بازرگانان بازار غربی معرفی کنند دلیلش این است که نمی توانند خود را مانند بازرگانان شرقی و یی تیش ها که جماعتی چینی مانند هستند جا بزنند.



مردمانی چون حیوانات وحشی

* داریو به رابطه جنسی چند دوتراکی در جشنی در ملاء عام اشاره می‌کند. دوتراک ها مثل حیوانات گله هاشان جفت گیری می کنند. زندگی خصوصی در کالاسار معنا ندارد و درکشان از گناه و شرم با مردم شهرهای آزاد و هفت پادشاهی متفاوت است. از این رو ممکن است که یک جنگجو جلوی چشم یک کالاسار یک زن را تصاحب کند.



رنگ کردن بدن برای نشان دادن قدرت !!

* برخی از کال های دوتراکی بدن خود را با رنگ های مختلف تزئین کرده اند. برای مثال رالکو بدن خود را با خط های قهوی پوشانده و یکی دیگر نیز به بدن خود رنگ مشکی زده است، و یا کال دروگو که از رنگ آبی استفاده می کرد. تیم تولید سریال از ایده طراحی دوتراکی ها برای نشان دادن تمایز بین هر کال استفاده کرده اند. برای مثال دروگو از رنگ آبی استفاده می کند چرا که نشان دهنده پر ارزش ترین است. در فصل دوم نیز در اپیزود «زمین های شب» کال ژاکو از رنگ قرمز استفاده می کند بخاطر اسبش.



رنگ آبی بر بدن کال دروگو که نشان از قدرت و ثروتش می باشد



ویس دوتراکی، شهری مستقل

* در کتاب و در سریال، ویس دوتراکی در واقع شهری از چادر و تعداد انگشت شماری ساختمان‌های چوبی و دائمی (مانند معبد دوش کالین) است. با این حال جورا و داریو در یک کوچه و خیابان تشکیل شده توسط ساختمان‌های از جنس گل و خشت در حال حرکت کردن هستند.



زنی که نمی سوزد

* شخص جورج آر.آر.مارتین به روشنی گفته است که تارگرین ها به آتش ایمن نیستند. اما تولد ازدهایان جادویی است و گویا تولد آنها باعث شده است که دنیس در برابر آتش بی آسیب باقی بماند. حال چرا این مورد از کتاب (حداقل در مورد دنیس) تغییر یافته است ناشناخته است.

* در کتاب زمانی که دنیس خودش را با جسد کال دروگو میسوزاند، موهایش نیز به طور کامل میسوزد و فاقد مو می شود. اما ظاهراً تیم تولید نمیتواند یک دنیس بی مو را در مجموعه تلویزیونی خود به نمایش بگذارد چرا که دوباره رویش موهای امیلیا ماهها طول می کشد و همچنین گویا موهایش تبدیل به یک امضاء در سریال شده است.

* امیلیا کلارک تایید کرده است که در این اپیزود برهنه شده است، او اینکار را پس از اپیزود سوم دیگر تکرار نکرده بود.

پایان

اعضا تیم پادکست وستروس کاربرها S.I.S, SaWhar, ریگار, winterfell, Stannis Baratheon, Daemon Blackfyre

و با تشکر ویژه از همایون صفرزاده و طلا مهمانی

Westeros